

چشمها به کارگران دوخته شده است!

علی جوادی

Email: Ali_Javadi@yahoo.com

هفته گذشته را بدون تردید باید هفته اعتراضات کارگری نامید. در هفته گذشته جامعه شاهد اعتصابات و اعتراضات متعددی کارگری بود. کارگران چیت سازی بهشر، کارگران لوله سازی اهواز، کارگران کارخانجات مختلف کرمانشاه، نساجی غرب، روغن نباتی نازگل، فرش بیستون، پتوسازی کشمیر، و کارگران کفش ملی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی زدند. کارگران پتروشیمی صنعت نفت هم به این اعتراض پیوستند. دست به اعتراض و اعتصاب غذا زدند. و این تنها گوشه‌ای از اعتراضات متعدد کارگری است که هر روزه در گوشه و کنار جامعه صورت می‌گیرد. اما هرگاه که کارگران صنعت نفت پا به میدان می‌گذارند، بی اختیار این سؤال در اذهان نقش می‌بندد: آیا کارگران به میدان آمده‌اند؟ و بی اختیار چشمها به سوی کارگران دوخته میشود. اعتراض کارگران زیر ذره بین قرار می‌گیرد. آیا این آغاز انقلابی دیگر است؟

واقعیت این است که کمتر کسی، چه مخالف چه موافق، از نقش و جایگاه تحرک و اعتراض طبقه کارگر در تحولات جامعه بی خبر است. همه از اهمیت و جایگاه کارگر نفت در اقتصاد کشور مطلعند و در جنبش کارگری مطلعند. در سال ۵۷، زمانی که کارگران شیرهای نفت را بستند. زمانی که کارگران خواستار لغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان سیاسی و انحلال ساواک شدند کمر حکومت شکست. ماشین نظامی‌ای که اساسا برای سرکوب در چنین دورانی حدادی شده بود در یک چشم بهم زدن زمین گیر شد. حکومت نظامی ازهاری عملا فلج شد. این موقعیت کلیدی و نقش کارگران نفت در تحولات جامعه در شعار "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" بازتاب یافت. این حساسیت به نقش طبقه کارگر در درجه اول اذعان به این واقعیت است که مردم میدانند هر درجه آزادی و انسانیت در جامعه به قدرت کارگر و تشکل و اتحاد کارگری و نقش طبقه کارگر در تحولات جامعه گره خورده است. برداشت جامعه از اعتراض کارگری این است که کارگر با آزادی و رفاه و سرمایه دار با تبعیض و چپاول و

استثمار و بی حقوقی و فلاکت تداعی میشود. این انتظار طبیعی جامعه است که وقتی کارگر به میدان می آید، صف مبارزه برای آزادی، صف مبارزه برای رفاه، صف مبارزه برای رفع تبعیض، صف مبارزه با استبداد به قدرتی عظیم دست پیدا میکند. گسترده میشود. مردم میدانند که اگر کارگران وارد میدان شوند چه قدرت عظیمی وارد میدان شده است. از اینروست که چشمها بی درنگ به طرف کارگران دوخته میشود.

اما این مبارزات در شرایط حاضر پراکنده است. متعدد است. در هر گوشه و کناری صورت میگیرد، اما پراکنده است. و رژیم اسلامی برای پراکنده نگهداشتن اش شب و روز تلاش میکند. سازمان امنیت و دستگاه سرکوبش روزمره مشغول سرکوب و متفرق کردن کارگر است. جاسوسان انجمنهای اسلامیش مشغول متفرق کردن کارگرند. سرکوب هر روزه و ایجاد تفرقه در میان کارگران جوهر وجودی رژیم ضد کارگر اسلامی است. رژیم اسلامی برای بقاء به متفرق نگهداشتن کارگران امید بسته است. برای غلبه بر این پراکندگی چه باید کرد؟

در این شرایط حساس یک مساله جدی رهبران عملی کارگران باید این باشد که چگونه میتوان این اعتراضات را از پراکندگی بیرون آورد. چگونه میتوان مبارزات کارگران هر کارخانه را با مبارزات کارگران کارخانه های دیگر هماهنگ و متحد کرد؟ نگاهی به اعتراضات متعدد کارگری نشان میدهد که علیرغم شرایط فلاکتبار اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه ما با کمبود مبارزات کارگری مواجه نیستیم. مساله اما بر سر پراکندگی در مبارزات کارگری است. اعتراضات و اعتصابات کارگری در گوشه ای فرومیخواهد، اما در گوشه ای دیگر سر بلند میکند، بی آنکه الزاما ارتباط و پیوندی با یکدیگر داشته باشند. به این پراکندگی در اعتراضات کارگری باید خاتمه داد. این مبارزات باید متحد و هماهنگ گردد. هرگونه پیشروی طبقه کارگر و امر آزادی و برابری مستلزم اتحاد و همبستگی کارگری است. زمانیکه کارگر بصورت یک طبقه متحد در مقابل رژیم سرمایه قرار گیرد هیچ نیرویی جلودارش نخواهد بود. اما قدرت کارگر در اتحاد و تشکلش است.

سراسری شدن اعتراضات کارگری یک اولویت مهم رهبران عملی کارگری در شرایط حاضر است. اما برای متحد کردن اعتراضات پراکنده کارگری در درجه اول باید شعارها و خواستههای واحد داشت. شعارهایی که دارای خصلت عمومی و فراگیر هستند. وحدت در شعار و خواست گام اول در وحدت در

مبارزه است. خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، خواست افزایش دستمزد، خواست آزادی تشکل و آزادی اعتصاب، خواست آزادی بیان، خواست بیمه بیکاری مکفی، خواست انحلال تشکلهای جاسوسی رژیم در محیطهای کار از جمله خواستهایی هستند که از این خصلت عمومی برخوردارند. اما شرط لازم برای تحقق چنین شرایطی علاوه بر تبلیغ مستمر و هرچه وسیعتر شعارها و خواستههای سراسری ایجاد ارتباط ادامه دار و متشکل میان رهبران عملی جنبش کارگری و محافل و شبکه های کارگران رادیکال و پیشرو است. این رهبران عملی باید بر مجامع عمومی کارگران متکی باشند. مجمع عمومی کارگران مناسبترین ظرف تشکل پایه کارگری در شرایط حاضر است. جنبش مجمع عمومی را باید برپا کرد. نمایندگان مجامع عمومی کارگری به سرعت میتوانند در هر منطقه با یکدیگر تماس بگیرند و پایه های تشکلات فراتر را در هر منطقه پی ریزی کنند. پیشروی طبقه کارگر و تحقق خواسته های کارگری مستلزم فائق آمدن بر این شرایط است.

آیا کارگران به میدان آمده اند؟ حتی اگر این موج از اعتراضات و اعتصاب کارگری سرآغاز یک حرکت همه جانبه طبقه کارگر برای کسب حقوق و مطالباتشان و شروع یک مبارزه هم جانبه علیه رژیم اسلامی نباشد، بدون تردید چنین روزی دور نیست. اما تنها طبقه کارگر است که پرچمدار مبارزه جامعه برای آزادی و رفاه و برابری است. تنها حضور کارگر با حزب و پرچم خودش، با افق و برنامه مستقل خودش در راس اعتراضات جامعه است که میتواند مبشر آزادی و رهایی جامعه از این شرایط فلاکتبار و سیاه و ضد انسانی باشد. آن روز دور نیست!